

دو فصلنامه تخصصی تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

سال هفتم، شماره دوم، پیاپی (۱۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱

صص ۶۴-۳۳

## بررسی سیر تحول خطوط کوفی و عربی و کتیبه خوانی اسلامی

محمدتقی فاضلی \*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جامع شوشتر

### چکیده

در میان آثار عرب‌ها سند و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد آن‌ها نوشتن را می‌دانستند. فقط حمیری‌ها در یمن بودند که آثاری از آن‌ها باقی مانده که با حرف مسند می‌نوشتند و ارتباط در شمال که با حروف نبطی می‌نوشتند و آثارشان نیز در نواحی حوران و به لقاء باقی است. برخی از آنان که قبل از ظهور اسلام به عراق یا شام سفر کرده بودند و رفتار و اخلاق شهرنشینی را کسب کردند و نوشتن را از ایشان به عاریت گرفتند و بازگشتند. برخی از آنان نیز عربی را با حرف نبطی، عبرانی یا سریانی می‌نوشتند ولی نبطی و سریانی تا پس از فتوحات اسلام دوام یافت و خط نسخی پس از نبطی و خط کوفی (منسوب به شهر کوفه) وارد شد. پیش از اسلام به خط کوفی، حیری می‌گفتند زیرا این خط به حیره نسبت داده می‌شد و آن، شهر عرب‌های پیش از اسلام بود و مسلمانان کوفه را در کنار آن ساختند.

**کلیدواژه‌ها:** تحول، خط آرامی، نبطی، کوفی، عربی، کتیبه خوانی اسلامی

### مقدمه

در مورد پیدایش خط عربی و ارتباط آن با سایر خطوط زبان‌ها سامی گر چه نظریه‌های متعددی ابراز شده است ولی همه محققان اتفاق نظر دارند که حدود قرن پنجم میلادی، یعنی

دو قرن پیش از ظهور دین مبین اسلام مردمان ساکن نواحی شمال خاوری عربستان، شهرهایی چون «حیره» و «انبار» در ساحل رود فرات خطی بکار می‌بردند که به نام «عربی شمالی» معروف گشت این خط به طور عمده و مستقیم به خط نبطی وابسته بود. نبطی‌ها از قبایل کوچ‌کننده عرب بودند که به طور عمده به کار بازرگانی اشتغال داشتند و در صحرای سینا، شمال عربستان و جنوب سوریه زندگی می‌کردند و در این نواحی حکومت متمرکز تشکیل داده بودند که تا سده دوم میلادی ادامه داشته و در این زمان مغلوب امپراطوری روم گردید. برای نیازهای بازرگانی و کشوری خود از خط الفبایی استفاده می‌کردند. که قرن‌ها پس از سقوط حکومت آن‌ها در سراسر خاورمیانه آن زمان متداول و پایدار ماند. نبطی‌ها نیز خط خود را از خط آرامی اقتباس کرده بودند. آرامی‌ها نیز از ساکنان باستانی نواحی فلسطین و شام بودند، که سهم به سزایی در تدوین و گسترش خطوط الفبایی داشته‌اند. و خط و زبان آن‌ها بیش از یک هزار سال پیش از میلاد مسیح زبان مبادلات و بازرگانی از ساحل مدیترانه تا شبه قاره هند بود. از خط نبطی بیش از ۳۰۰ اثر در نواحی حجاز و شبه جزیره سینا ... بازمانده است. قدیمی‌ترین اثری که از زبان عربی به خط نبطی بازمانده است کتیبه‌ای است که در سال ۱۳۲۸ میلادی بر سر مزار امراء القیس در حیره نوشته شده است و مطالعه آن نشان می‌دهد که تا چه حد الفبای قدیم عربی به الفبای نبطی نزدیک است با مقایسه اشکال الفبایی کتیبه‌های متأخرتر می‌توان مراحل انتقال خط عربی را برقرار کرد تا آنکه در قرن پنجم میلادی به مرحله شکل‌گیری خط عربی شمالی متداول نزد قبایل «انبار» و «حیره» دست یافت. این تحول نزدیک به دو قرن به طول انجامید و یک قرن پیش از ظهور دین مبین اسلام این خط به حجاز در باختر عربستان راه یافت.

## آرامی

آرامی‌ها از نژاد سامی بودند و در قرن‌های ۷ و ۸ ق. م. زبان و خط آرامی را بین‌المللی کردند و به قبایل بزرگی گفته می‌شود که اولین بار در قرن ۱۴ ق. م. مکتوبات (تل العمارنه) مکشوف و در مصر از آن‌ها یاد شده است. در جنوب کشور شام (سوریه) و برخی مناطق دیگر چهار قبیله زندگی می‌کردند که در حاشیه دشت بقاع تا جنوب حوران پراکنده بودند. سپس در

قسمت بالای جزیره تا قسمت دیگری از رود فرات و در نزدیکی رود خابور، بالیخ، حوالی کوه سنجار استقرار یافتند و در این مناطق زبان آرامی به‌عنوان رقیب قدرتمند برای زبان‌های آکدی در بین‌النهرین محسوب می‌شد. در قرن ۷ میلادی پادشاهان زبان آرامی را به‌عنوان زبان آسان و قابل فهم انتخاب و ترویج دادند. اقوام دیگری هم به زبان آرامی تکلم می‌کردند که عبارت‌اند از: تدمری‌ها، نبطی‌ها و حضری‌ها (الجبوری، ۱۹۹۹، ۲۸). قدیمی‌ترین نوشته و اسناد مکتوب به زبان آرامی به قرن ۱ ق. م. برمی‌گردد و تا قرن ۳ میلادی ادامه داشت. تدمری‌ها به زبان آرامی می‌نوشتند و البته بیشتر اسامی تدمری همه به عربی است. خط آرامی نیز در همان دوره‌ها دچار تغییرات و تحولاتی شد و در ممالک گوناگون به خطوط دیگر تبدیل گردید، خطوطی که از خط آرامی گرفته شده شش گونه‌اند: هندی، پهلوی (فارسی میانه)، عربی، سریانی، تدمری، نبطی، زادگاه اصلی آنان تاکنون ناشناخته باقی مانده است. آن‌ها ظاهراً در جریان مهاجرت‌هایی که به طور عمده و در فاصله‌ی بین قرن‌های ۱۳ تا ۱۱ ق. م. صورت گرفت از شمال شرقی عربستان وارد سوریه و بین‌النهرین شده‌اند. تازه واردان در امتداد شاهراه‌های بین‌المللی به دمشق، حلب، کرکمیش می‌توان اشاره کرد در قرن ۸ ق. م. زیر سلطه آشوریان قرار گرفتند. آن‌ها پس از آن در قرن ۷ ق. م. خط آرامی را به زبان میانجی امپراطوری تبدیل کردند (سفادی، ۸۱، ۹).. ژاله آموزگار در کتاب مجموعه‌ی مقالاتش (زبان، فرهنگ، اسطوره) می‌نویسد: آرامی‌ها اقوامی بودند که از صحرای شمالی عربستان به سوی خاورمیانه مهاجرت کردند و در بین‌النهرین مستقر شدند. در اوایل هزاره اول ق. م. حکومت‌هایی برای خود بر پا کردند ولی به زودی مقهور و خراج‌گزار آشوری‌ها گشتند. اما از آنجا که بازرگانان موفق‌تری بودند نفوذ ریشه‌داری در منطقه کرده و محل استقرار خود را در بابل و نینوا قرار دارند. و به تدریج جمعیت آنان نیز افزایش یافت. زبان آن نیز زمانی دراز در این منطقه پایید و مهم‌تر اینکه بر مبنای الفبای فنیقی خط آرامی به وجود آمد که به سرعت رواج یافت و تبدیل به خط بین‌المللی منطقه شد. زبان آرامی که چندان دور از زبان‌های سامی آن نواحی نبود تبدیل به زبان ارتباطی خاورمیانه گشت. پدید آمدن دولت هخامنش که سرزمینی گسترده از ماوراءالنهر تا بین‌النهرین را در بر می‌گرفت نیاز به یک زبان ارتباطی واحد داشت بر گسترش خط و زبان آرامی در این راستا افزود. خط و زبان آرامی در دولت هخامنشی تبدیل به زبان دیوانی شد و

دبیران آرامی نژاد و آرامی زبان در دستگاه‌های دیوانی ایالت‌های مختلف سرزمین هخامنشی به خدمت مشغول شدند و خط و زبان آرامی با عنوان آرامی رسمی یا آرامی امپراطوری پا به پای فارسی باستان و خط میخی فارسی باستان که تنها در کتیبه‌های هخامنشی به کار می‌رفت. در ارسال مراسلات به کار گرفته شد (آموزگار، ۸۶، ۲۱). بدین صورت که نامه به زبان هر ایالتی تقریر می‌شد. دبیر آرامی زبان آن را به زبان و الفبای آرامی می‌نوشت و نامه به ایالت‌های دیگر فرستاده می‌شد و در آنجا دبیرهایی از همین نوع آن زبان را به زبان آن ایالت برمی‌گرداندند و می‌خواندند. پس از دوران هخامنشی در دوره‌ی کوتاه‌مدت اسکندر و سلوکی‌ها زبان و خط یونانی در مراسلات رسمی و اداری به کار رفت (آموزگار، ۸۶، ۲۲-۲۱) برای اطلاعات بیشتر نک تفضلی، دایره‌المعارف اسلامی، جلد ۱؛ به یومی، (۲۱۱-۲۱۲).

### سریانی

زبان رایج در شهر الرها (اورفه) واقع در شمال بین‌النهرین «سریانی» خوانده می‌شود که یکی از شاخه‌های زبان آرامی است. و زبان سریانی به‌عنوان زبان مهم ادبی پیروان مسیحیت در آن منطقه رواج یافت. البته در دوره میانه (ساسانیان) در ایران کتب مذهبی و کتاب‌های بسیاری را مسیحیان از زبان‌های یونانی، فارسی میانه به سریانی برگردان کردند. خط سریانی شباهت‌های زیادی به خط عبری دارد و هجا‌های آن به‌صورت متصل نوشته می‌شود. مفهوم هجا‌های متصل در دو خط با یکدیگر متفاوت است. به‌علاوه حروف در این خط در ابتدا و انتها و یا حتی در وسط کلمه به شکل خاصی نوشته می‌شود که با خط عبری دارای تشابهاتی است. البته خط سریانی در طول تاریخ هم‌زمان با گسترش مسیحیت در شرق نقش مهمی را ایفا کرده و رابطه‌ی نزدیک آن را با شیوه شکسته پالمیری می‌توان در گونه‌های ابتدایی به صورت آشکار روایت کرد. متون مقدس یونانی به زبان سریانی ترجمه شد البته در این برگردان واژه‌های یونانی هم به آن اضافه شد (همان ۲۲). و (سفادی، ۸۱، ۱۱-۹).

## زبان و خط فنیقی

فنیقی‌ها که تاریخ مستند آن‌ها از حدود ۱۶۰۰ ق. م. با گسترش قدرت مصریان در آسیای غربی آغاز می‌شود در طول سواحل سوریه و لبنان سکونت می‌کردند. فنیقی‌ها که دریانورد به شمار می‌آمدند در آب‌های دور دست تا ماوراء جبل الطارق بعضی مرزهای دریای مدیترانه‌ی باستان به آمدو شد می‌پرداختند آن‌ها اسرار کشفیات خود طی مسیرهای دریایی را به دقت حفظ می‌کردند با وجود آن که خیلی از آن چه که به فنیقی‌ها نسبت داده می‌شود آثاری است که از امپراتوری پیش از آن‌ها یعنی کرتی‌ها بر جای مانده است. فنیقی‌ها در قرن ۱۲ ق. م. وزنه‌ی سیاسی مهمی در سواحل دریای اژه به شمار می‌آمدند، زبان فنیقی به آن دسته از زبان‌های سامی تعلق دارد که کنعانی نامیده می‌شود، شامل عبری و گویش مواب<sup>۱</sup> است. فنیقی‌ها اگر چه مردمی باسواد نبودند اما به دلیل اشتغال به امر تجارت عامل عمده‌ی اشاعه‌ی خط همخوانی سامی در بیشتر بخش‌های تجاری خود شدند، از این قوم در قبرس، آفریقای شمالی، مالت، سیسیل، سارونی، مارسی، یونان و اسپانیا کتیبه‌هایی به دست آمده است. همچنین این قوم در ابداع الفبای یونانی که مبنای تمدن غرب قرار گرفت دست کم نقشی غیرمستقیم ایفا کردند. تحولات خط فنیقی به تمامی شاخه‌هایش، شاخه‌های فرعی آن کاملاً از لحاظ ظاهری بوده است همین حقیقت در مورد خط آرامی نخستین هم صدق می‌کند. در خط فنیقی و تقریباً در تمامی نمونه‌های به دست آمده ۲۲ حرف است و مطالب در این خط از راست به چپ نوشته می‌شد. به عبارت دیگر یکی از بزرگ‌ترین افتخارات فنیقی‌ها گسترش الفبا در منطقه‌ی دریای مدیترانه بود، تردیدی نیست فنیقی‌ها الفبا را به یونانیان آموختند و این فنیقی‌ها و یونانیان عامل گسترش آن در غرب بودند. اصل و منشأ این الفبا کاملاً مسلم نیست این که فنیقی‌ها الفبا را اشاعه داده باشند الزاماً بدان معنا نیست که آن را ابداع کرده باشند. (آموزگار، ۸۶، ۲۲-۲۱)، در روزگار باستانی پنداشتند که فنیقی‌ها الفبا را ابداع کرده‌اند. «پلینی» از یک سو ادعا می‌کند که ابداع حروف، کار مهم فنیقی‌ها بوده است در جای دیگر اصل و منشأ حروف را در بین‌النهرین می‌داند. «تاکتیتوس»<sup>۲</sup> عقیده دارد که الفبا اصل و منشأ

<sup>۱</sup>. Moab

<sup>۲</sup>. Tactitus

مصری دارد و می‌افزاید فنیقی‌ها قبل از آن که آن را به دیگران انتقال دهند آن اعتبار را کسب کرده‌اند، بنابراین، شواهد و دلایل باستانی به‌هیچ‌وجه همگون نیست و وقوفی از مسأله مورد بحث را نشان می‌دهد. معمولاً به سبب کتیبه‌های (پارینه سینایی<sup>۱</sup>) است که نشرهای فراوانی به عمل آمده است، که این کتیبه مورخ ۱۸۰۰ یا ۱۵۰۰ ق. م. با معیارهای الفبایی کشف کنند. برخی کتیبه‌های کوچک معروف به (پیش کنعانی<sup>۲</sup>) که بیشتر در فلسطین به دست آمده است (بیت شمش<sup>۳</sup>، لاکیش<sup>۴</sup>، جازر<sup>۵</sup>، تل العجول<sup>۶</sup>) و مانند آن‌ها به حدود نیمه هزاره ۲ ق. م. نسبت داده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته ولی آن نیز قابل خواندن نبوده‌اند، بالأخره کشف یک خط کاملاً الفبایی در اوگاریت، لاقل مربوط به سده‌ی ۱۴ ق. م. مسأله را عقب‌تر می‌برد و آن را پیچیده می‌سازد، زیرا خط دارای علائم میخی است. الفبای اوگاریتی حاکی از آن است که خط آن از خط میخی الهام گرفته ولی این نکته بدان معنا نیست که الفبا از بین‌النهرین آمده باشد (آموزگار، ۸۶، ۲۳-۲۱).

### زبان و خط تدمری

تدمریان از قبیله‌های عرب بودند و زبان گفتاری و نوشتاری آنان از لهجه‌های آرامی غربی بود و منتسب به مجموعه‌ای بود که زبان نبطی هم جزو آن شمرده می‌شد. تمدن تدمری آمیزه‌ای از عناصر شامی، یونانی و ایرانی بود، با وجود اینکه در کنار زبان آرامی، زبان یونانی در آن جا رواج داشت. کتیبه‌هایی که در سرزمین تدمر کشف شده است از لغات اصیل عربی خالی نیست از حیث عبادت و پرستش دین با ادیان رایج در سوریه شمالی و در میان قبایل عرب بادیه تفاوتی نداشت (همان، ۱۵۱).

<sup>۱</sup> Paleo-sinaitic

<sup>۲</sup> Paleo-Canaitic

<sup>۳</sup> Bet-Shamesh

<sup>۴</sup> Lakish

<sup>۵</sup> Gezer

<sup>۶</sup> Tell El Ajjul

## نبطی‌ها و خط نبطی<sup>۱</sup>

در دوره‌ی پیش از اسلام رونق تجاری سرزمین یمن و حجاز تأثیر بسیاری در پیدایش دولت‌های کوچک عربی در حد فاصل شام و عراق داشت، بیابان شام و جنوب فلسطین از اوایل تاریخ مسیحی، مرکز مهاجرت‌های پی‌درپی قبیله‌هایی نظیر تنوخ، بنی سلیح، آل جفته از جنوب جزیره العرب بود به طوری که در دوره رومی‌ها به قریه به طوری که در لجه بوریک سبائیان می‌گفتند. در حقیقت استقرار قبایل عرب در بیابان شام به دوره‌های پیش از عصر رومی باز می‌گردد. نبطیان از اقوامی بودند که در جنوب فلسطین استقرار داشتند. کشور نبطی‌ها در شمال حجاز ایجاد شده بود به یکی از اقوام عرب منصوب است که در نزد یونانیان به نام نبطیا<sup>۲</sup> شناخته می‌شود. قوم نبط<sup>۳</sup> تقریباً در قرن ۶ ق. م. در بیابان شام و جنوب فلسطین سکونت گزیدند، کاوش‌های باستان‌شناسی در (پترا و حوران) از آن‌ها پرده برداشته، امکان وقوف به اخبار آن‌ها را فراهم آورده‌اند. نبطی‌ها زبان آرامی را به عنوان زبان نوشتاری خود برگزیدند، خط نبطی همان خط آرامی است با این تفاوت که این خط تحول یافته آرامی قدیم است به همین دلیل نیز به خط نبطی معروف شده است تا از دیگر خط‌های آرامی متمایز گردد. «کتیبه النماره» در شرق حوران که به تاریخ ۲۳۸ میلادی باز می‌گردد از قدیمی‌ترین نوشته‌های نبطی است. تاریخ قبر امرؤ القیس بن عمر از پادشاهان حمیر نیز با این خط نوشته شده است. همچنین در جیرش و مادیا نیز نوشته‌های نبطی دارای تاریخ به دست آمده است. خط نبطی شبیه به خط کوفی قدیم است. شباهت و قرابت دو خط بسیاری از دانشمندان را بر آن داشته است تا خط کوفی را مشتق از خط نبطی بدانند. (سالم، ۸۱، ۱۲۸-۱۲۶). نبطی‌ها نامه‌های معمولی را بدان خط نگارش می‌کردند. خط کوفی پس از اسطرنجیلی آمده، علت آن اینکه اگر حرف الف به صورت حرف مَدّ در وسط کلمه بیاید حذف می‌شود. بر مبنای این قاعده به جای کتاب، کتب و به جای ظالمین، ظلمین می‌نوشتند. که در اوایل اسلام به ویژه در نگارش قرآن مجید رواج داشت. با ظهور اسلام مردم حجاز با فن کتابت آشنایی داشتند ولی این فن رایج نبود و فقط ۱۳

1. Nabati

2. Nabataei

3. Nabat

تا ۱۹ نفر نگارش را می‌دانستند که بیشترشان از اصحاب بزرگ پیامبر اعظم (ص) بودند، از جمله حضرت علی بن ابیطالب (ع)، عمر بن خطاب، طلحه بن عبیدالله، عثمان وایان، دو فرزند سعید بن خالد بن حذیفه، یزید بن ابی‌سفیان، حاطب بن عمرو بن عبد شمس، علاء بن حضرمی ابوسلمه بن عبدالاسهل، عبدالله بن سعد بن ابی سرخ، حویطب بن عبد العزی، ابوسفیان حرب و فرزندش معاویه و جهیم بن صلت بن مخرمه، سپس سایر صحابه کتابت را آموختند. در دوران خلفای اموی راشدین و بنی امیه قرآن کریم را به خط کوفی می‌نوشتند. (همان ۲۷۳) مشهورترین نویسندهٔ زمان بنی‌امیه «قُطبه» بود که کتاب‌هایی تألیف می‌کرد، پس از او ضحاک بن عجلان در اوایل حکومت عباسیان به شهرت رسید و بر قلم‌های قُطبه افزود، سپس اسحاق بن حماد او هم بر قلم‌ها افزود تا به دوازده قلم رسید که عبارتند از: قلم جلیل، قلم سجالات، قلم دیباج، قلم اسطورمارکبیر، قلم ثلاثین، قلم زنبور، قلم فتح، قلم حرم، قلم مرامرات، قلم عهدود، قلم قصص. اما خط نسخی یا نبطی به عنوان خط‌های غیر رسمی در میان مردم رواج داشت تا ابن مقله متوفای ۳۲۸ هـ. ق. از دیگران پیشی جست و خط مدور را اصلاح کرد و آن را به صورت کنونی در آورد و آن را در نوشتن دیوان‌ها به کار برد. اکنون مورخین عقیده دارند که ابن مقله خط را از صورت قلم کوفی به قلم نسخی منتقل کرد. به تدریج با گذشت سال‌ها خط نسخ به انواع مختلفی تقسیم شد، قلم‌های اصلی در زبان عربی دو تاست: کوفی و نسخی و هر یک از آن‌ها به چند قسم تقسیم می‌شدند. پس از قرن هفتم هجری، شش قلم معروف بود: ثلث، نسخ، تعلیقی، ریحانی، محقق و رفاع. ابن حسین در کتابش راجع به قلم ثلث چنین می‌گوید: اصل خط کوفی که دارای اقسام متنوعی است به تقریر و بسط باز می‌گردد (همان ۲۷۴).

### شیوه نگارش در شبه جزیره عربستان

پیش از ظهور اسلام، قبایلی در شبه جزیره عربستان زندگی می‌کردند و هر یک دارای خط بودند. از آن جمله قبایل قحطانی در نواحی یمن بودند که خطی به نام «مَسَد» داشتند. در همان شبه جزیره عربستان نیز نبطی‌ها زندگی می‌کردند و با خطی موسوم به «نبطی» کتابت می‌نمودند. هنگام ظهور اسلام اعراب حجاز به دو خط نبطی جدید و سریانی نگارش می‌کردند. پس از



اسلام این دو خط در میان اعراب باقی ماند و تدریجاً از سریانی خط کوفی و از نبطی خط نسخ پدید آمد. خط کوفی در ابتدا به خط حیری (منسوب به حیره) مشهور بود و بعدها مسلمانان کوفه را بنا نمودند. خط کوفی (منسوب به کوفه) نام گرفت. در میان اعراب سرزمین حجاز، تعداد کمی فن نوشتن داشتند که برخی از آنها از جمله حضرت علی بن ابی طالب (ع)، عمر بن خطاب، طلحه بن عبیدالله در شمار صحابه حضرت محمد (ص) محسوب می‌شدند. از معروف‌ترین قرآن‌نویسان دوران بنی‌امیه، قُطبه بود که معروف است خط کوفی را با چهار قلم می‌نگاشت. از اوایل حکومت عباسیان نیز می‌توان ضحاک بن عجلان و پس از او اسحاق بن حمّاد را نام برد، ترجمه‌ی کتب علمی از دوره‌ی امویان آغاز شد ولی در عصر عباسیان با شروع نهضت علمی به ویژه با تأسیس بیت‌الحکمه در بغداد با حمایت مأمون خلیفه عباسی تکمیل گردید و بسیاری از کتاب‌های یونانی مانند آثار جالینوس، اقلیدوس، بطلموس و ... به زبان عربی ترجمه گردید. به دنبال این نهضت، توجه به امر نگارش در عصر عباسی نویسندگان در این خصوص با هم به رقابت می‌پرداختند و در نحوه نگارش هر کدام شیوه و روش خاصی ابداع کردند و خط کوفی در این زمان به بیست قلم نوشته می‌شد. این خط در ابتدا بدون اعراب و اعجام (نقطه و زیر و زبر) بود، ولی این مسئله مشکلاتی را در نگارش به وجود می‌آورد تا اینکه شخصی به نام ابوالاسود دوثلی و یکی از شاگردان حضرت علی (ع) زیر و زبر کلمات را اختراع کرد. وی برای ترسیم زیر و زبر کلمات یک نقطه بالای حروف (فتحه) و یک نقطه زیر حرف (کسره) و یک نقطه در جلوی حرف به عنوان (ضمّه) و دو نقطه برای تنوین منظور کرد. به تدریج نقطه‌گذاری نیز متداول شد و به مراتب مشکلات قرائت و نگارش مرتفع گردید. ولی نقطه‌گذاری کلمات در زمان عبد الملک بن مروان به دست نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر شروع شد. یکی از خوش‌نویسان معروف خط کوفی به نام ابو علی محمد بن علی بن حسین بن مقله بیضاوی شیرازی (۲۷۲-۳۲۸ هـ.ق.) که استادی بی‌نظیر در علوم فقه و تفسیر ادبیات و شعر و خط بود، وی از میان انواع خطوط، اقلام سته (شش‌گانه) را به وجود آورد که عبارتند از: ثلث، ریحان، نسخ، محقق، توقیع، رقا. ابن مقله خط نسخ را جزء خطوط رسمی دولتی قرار داد. در این باره دو نظریه وجود دارد:

۱- ابن مقله این خط را همانند چند خط مذکور از کوفی استخراج کرد.

۲- خط کوفی و نسخ (نبطی) از اوایل اسلام معمول بوده و خط کوفی برای کتابت قرآن کریم و خط نسخ در مکاتبات رسمی مورد استفاده قرار می‌گرفته و ابن مقله اصلاحاتی در خط نسخ به وجود آورده و آن را برای کتابت قرآن کریم مناسب دانست. البته قبل از ابن مقله شخص دیگری به نام قُطبه از خوش‌نویسان معروف بود و استخراج برخی از خطوط را از خط کوفی شروع نموده بود. در واقع ابن مقله کار قُطبه را به پایان رسانید. خوش‌نویسان دیگر در این دوره عبارتند از: ابوالحسن علاءالدین علی بن هلال معروف به ابن بُوَاب متوفی ۴۲۳ هـ ق. بود. وی قواعد جدیدی برای نسخ وضع نمود و آن را تکمیل کرد، یاقوت مستعصمی متوفی ۶۸۹ هـ ق، احمد بن السهروردی و ارغون بن عبدالله که هر کدام سهمی در تقویت و رواج خط نسخ و ثلث داشته‌اند. شیوه‌ی نسخ‌نویسی یاقوت و شاگردانش تا سده ۱۱ و ۱۲ ادامه یافت. با ظهور خوش‌نویسان دیگر چون ابراهیم قمی و شاگردش احمد النیریزی تحول در قلم نسخ به وجود آمد و تا به امروز ادامه یافت و این قلم ثلث از دوره تیموری تا صفوی درخشش بسزایی داشته است. نویسندگان دیگری چون عبدالله صیرفی معاصر الجاینو و عبدالباقی تبریزی متوفی ۱۰۳۹ هـ ق. و علیرضا عباسی در سده ۱۱ هـ ق. به قلم ثلث می‌نوشتند نک برای اطلاعات بیشتر: (گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، مجموعه منتخبه من المحظوظات القرآنیة المتعلقة بمتحف العهد الاسلامی، مترجم مؤسسه رامیر، ۷۵، ۴-۵). اما کهن‌ترین آثار مجموعه قرآن‌های خطی موزه اسلامی ایران عبارتند از:

الف) مجموعه قرآن‌های خطی بر اوراق دباغی شده بر پوست آهو، تاریخ کتابت روشن نیست.  
ب) برخی از قرآن‌ها رقم احاقی ائمه اطهار، حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام رضا (ع)، امام حسین (ع)، تاریخ مربوط به قرون اولیه هجری از سده ۲ تا ۴ هـ ق.

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان در مدت ۲۳ سال بر حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام نازل گردید. این کتاب مقدس دارای ۱۱۴ سوره و در سی جزء است که هر سوره شامل تعدادی آیه می‌باشد، آیات را از حیث مکان نزول آیات مکی و مدنی (منسوب به مکه و مدینه) می‌خوانند. اولین آیه‌ای که در سن چهل و پنج سالگی بر حضرت محمد (ص) نازل گردید (قرآن، العلق، آیه ۱) بود: اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. و آخرین آیه (قرآن، مائده، آیه ۳) می‌باشد: الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

پیامبر اکرم آنچه را که بر وی نازل می‌شد به کاتبان خاصی که افرادی امین و قابل اعتماد بودند عرضه می‌داشتند و آن‌ها بر قطعات سنگ، چوب و چرم یا استخوان شانه‌ی حیوانات می‌نوشتند. (افروند، ۷۵، ۳). در میان یاران پیامبر افرادی بودند که قرآن کریم را گردآوری می‌کردند از آن جمله‌اند: علی بن ابیطالب (ع)، سعد بن عبید بن نعمان بن عمرو بن زید، ابو درداء عویر بن زید، معاذ بن جبل اوس، ابو زید بن نعمان، ابی بن کعب بن قیس بن مالک بن امروالقیس، عبید بن معاویه بن زید بن ثلث بن ضحاک، در زمان خلافت ابوبکر زید ابن ثلث از کاتبان وی مأمور شد تا قرآن کریم را مصحف نماید. در سال ۳۰ هجری عثمان دستور تکثیر و نسخه‌برداری از آن را داد و به هر ناحیه نسخه‌ای فرستاد و امر نمود تا هر مصحفی که بر خلاف آن باشد سوزانده شود. به قول ابن ندیم اولین کسی که در صدر اسلام به کتابت قرآن کریم همت گماشت و در خوش‌نویسی نیز شهرت داشت خالد بن ابو هیاج بود از خوش‌نویسان کوفه نیز در صدر اسلام می‌توان از ام‌شبیان مسحور، ابو خمیده ابن حمیره نام برد. در قرن اول هجری دو شهر جدید بصره و کوفه تأسیس شدند خط حیره به عنوان خط اصلی در این مناطق کاملاً شناخته شده بود، در واقع کوفه وارث مردمان و فرهنگ حیره به شمار می‌آمد در نتیجه در کوفه خط جدیدی با توجه به اصلاحات و بهسازی در خط به وجود آمد که اندازه‌های متناسب و مشخصی داشت و بیانگر چهارگوش‌ها و زاویه‌هایی با استفاده از سرکش‌های عمودی کوتاه و خطوط افقی امتداد یافته بود و به عنوان خط الکوفی (خط کوفی) مشهور شد. همان طور که خط مکی - مدنی به هم نزدیکند، خطوط کوفی و بصره‌ای نیز با هم در ارتباطند. البته این چهار خط خیلی در ظاهر به هم شباهت دارند، در عین حال ویژگی خاص خود را داشتند. مهم‌ترین آن‌ها حرکت مایل قلم بود که در خطوط مکی و مدنی استفاده می‌شد و باعث ظهور خطی به نام مائل یعنی شیب دار شد. خط کوفی در نیمه‌ی قرن دوم / قرن هشتم به تکامل رسید، رونق مجددی یافت و حدود ۳۰۰ سال تداوم پیدا کرد. بیشتر هم برای کتابت قرآن کریم کاربرد داشت. چون این خط برش عمودی کوتاهی دارد و هیچ نوع سرکش (ادامه حروف) زیر خط اصلی زمینه ندارد و دارای کشیدگی افقی است، مناسب نوشتن بر سطوحی شد که ارتفاع آن به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از پهنایش بوده تا اوایل قرن سوم / نهم قرآن‌های کوفی تذهیب کمی داشتند. اما وقتی گرایش به تذهیب و تزئین قرآن بیشتر شد

شیوه‌های تزئینی متنوعی ابداع گردید که با اصول و قواعد خاصی به کار گرفته شد. مثلاً تذهیب نام سوره‌ها، تقسیمات آیات، نشان‌ها، علائم جزءها، علامت‌گذاری بوده تقریباً در تمام کشورهای اسلامی به کار می‌رفت. این تزئینات با تغییر و تحول کمی تا پایان قرن دهم/ شانزدهم در قلمرو غربی اسلام به کار گرفته شد. در قلمرو شرقی اسلام این قواعد تزئینی از قرن چهارم/ دهم به بعد تحول و توسعه یافت. این در حالی بود که اشکال تذهیبی مشخص و روشنی برای استفاده توأم با خط کوفی مشرقی به کار می‌رفت این شیوه تا قرن ششم/ دوازدهم ادامه داشت. به طور کلی خط کوفی برای نوشتن کتیبه‌ها و سر لوحه‌های عربی و کتابت قرآن و ... به کار می‌رفت. البته خط کوفی هم دارای انواعی است. (ر.ک. بخش خط‌های کوفی تزئینی) کوفی تزئینی در هر سطحی اعم از آجر، سنگ، گچ، کاشی، چوب، فلز، شیشه، عاج، پارچه و پوست مورد استفاده قرار می‌گرفت. برجسته‌ترین نمونه‌های کوفی تزئینی را می‌توان در دیار بکر ترکیه، قیروان تونس، قاهره مصر، گراندادی (عز ناطه‌ی) اسپانیا و در غزنه‌ی افغانستان مشاهده کرد.. (همان ۳-۴).

### پیشینه‌ی خط کوفی و عربی

عرب‌ها برعکس ملل باستانی دیگر همچون مصریان باستان، بابلی‌ها و چینی‌ها که از هزاران سال پیش شیوه‌ی نگارش پیچیده‌ای داشتند، مدت زیادی نیست که به شیوه‌ی نگارش دست یافته‌اند. علت توسعه و گسترش یافتن خط عربی این بود که عرب‌ها به طور اخص از قبایل چادرنشینی بوده و نسبت به نوشتن بدگمان بودند. آن‌ها به طور گسترده‌ای جهت ضبط اطلاعات و تبادل گفت و شنود به سنن روایی متکی بودند. این سنن تقریباً تنها روش جاودانه ساختن اشعار به شمار می‌آمد. بنا بر سنن ادبی عرب‌ها فقط فرمان نوشتن چند قصیده داده شده است که سبع معلقات نامیده شده و شاهکار مسلم محسوب می‌شوند به طوری که اعراب این هفت قصیده را به طور خاص گرامی داشتند، بدین گونه که این معلقات را بارز می‌نگاشتند و بر دیوارهای کعبه در مکه می‌آمیختند. حتی پس از غلبه یافتن اسلام در اوایل قرن اول هجری/ هفتم میلادی قرآن را در ابتدا در میان مسلمانان نه تنها از طریق کلمات مکتوب بلکه عمدتاً از طریق سنت شفاهی یعنی ضبط و حفظ آیات منتشر می‌شد. با توجه به اینکه زمانی عرب‌ها

لزوماً مکتوب کردن نوشته‌هایشان را دریافتند در زیباسازی خطشان بر هنر جهان تفوق و پیشی جستند. آن‌ها در زمان نسبتاً کوتاهی تحولی قابل توجه در امر خطاطی به وجود آوردند که خط عربی را به وسیله‌ی هنری که انعکاس دهنده‌ی نبوغ و جذب کننده‌ی بهترین استعدادهای هنریشان بود تغییر دادند. (سفادی، ۸۱، ۹). اکثر محققین بر این باورند که زبان عربی به گروه خطوط سامی تعلق دارد که بیشتر مصوت‌ها در آن نشان داده می‌شود. همچنین عقیده دارند که خط عربی شمالی بر خطوط دیگر پیشی جسته و ویژه‌ی نگارش قرآن کریم شد و با خط نبطی هم مرتبط است. نبطی‌ها اعراب بادیه‌نشین بودند و در سرزمینی از سینا و شمال عربستان تا جنوب سوریه امتداد داشت ساکن بودند و حکومتی را پایه‌گذاری کردند که پایتخت آن شهرهای مهم حجر، پترا<sup>۲</sup> و بصری<sup>۳</sup> بود، این حکومت از ۱۵۰ ق. م. تشکیل تا ۱۰۵ میلادی ادامه داشت که سرانجام توسط روسی‌ها از بین رفت و لیکن خط نبطی از بین نرفت البته شایان ذکر است این خط از خط آرامی‌ها نشأت گرفته است و تأثیرات خیلی زیادی بر تحولات اولیه خط عربی گذاشت. از نبطی‌ها کتیبه‌هایی در قلمرو سکونتشان بر جای مانده است که عبارتند از:

- ۱- کتیبه‌ی ام‌الجمال ۲۵۰ ق. م.
  - ۲- کتیبه‌ی شماره<sup>۴</sup> مربوط به شاعر معروف قبل از اسلام امر و القیس<sup>۵</sup> ۳۳۸ میلادی
  - ۳- کتیبه‌ی زبد<sup>۶</sup> ۵۱۲ میلادی
  - ۴- کتیبه‌ی حرّان<sup>۷</sup> ۵۶۸ میلادی
  - ۵- کتیبه دیگری از ام‌الجمال مربوط به قرن ۶ میلادی اقتباس خط عربی را از نبطی ثابت می‌کند و تکامل مشخص اشکال مختلف خط عربی را نشان می‌دهد (سفادی، ۸۱، ۱۰-۹).
- در منابع دیگر آمده است که خط عربی شمالی ابتدا در شمال عربستان کاربرد داشت به ویژه در سرزمین‌های حیره، انبار رونق گرفت. سپس این خط در اواخر قرن ۵ و اوایل قرن ۶ میلادی

<sup>۱</sup>. Hijra

<sup>۲</sup>. Petra

<sup>۳</sup>. Busra

<sup>۴</sup>. Namarah

<sup>۵</sup>. Imru'al-Qays

<sup>۶</sup>. Zabad

<sup>۷</sup>. Harran

در سرزمین حجاز و در غرب عربستان گسترش یافت. مشهور است که بشر بن عبدالملک این خط را با کمک دوست و پدر همسرش حرب ابن اُمیّه به مکه معرفی کرد. اما خط و شهرت حرب در میان طبقه اشراف قریش، قبیله‌ی پیامبر اسلام اعتبار و احترام داشت. شاگردان حرب خطاطان لایق و شایسته‌ای شدند که عبارتند از: عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، طلحه بن عبدالله، ابو عبیده ابن الجراح، معاویه ابن ابی سفیان. مقرر گردید اینها نقش رهبران سیاسی را در تحولات دنیای آن روز اسلام بر عهده بگیرند. سه شخصیت نخست که بعدها خلفای راشدین نام گرفتند از نظر فقهای سنی بنی‌امیه و به عنوان سردمدار اولین امپراطوری بزرگ اسلامی حکومت کردند. بهر تقدیر پس از کاربرد خط عربی شمالی در مکه، کتابت در مدینه و شهر نزدیک مدینه گسترش یافت. در این شهر قبایلی چون اویس (اوس)، خزرج، ثقیف، هنر نوشتن را با علاقه شروع کردند. یکی از این کاتبین زید بن ثابت بود که مشهورترین کاتب پیامبر اسلام (ص) شد و در زمان خلافت عثمان کتابت و تطبیق اولین نسخه‌ی قرآن مجید بدو سپرده شده قدیمی‌ترین نمونه‌ی خط عربی جزم است که از نبطی‌ها مأخوذ است. ویژگی‌هایش زاویه‌دار و مستقیم بود. خط جزم و تناسبات برابر حروفش بدون شک بر روی تحولات و توسعه‌ی خط معروف کوفی که چندی بعد به دنبال آمد اثر گذاشت، خط جزم گسترش یافت. به تدریج خط رایج کلیه اعراب شد. تا اینکه با ظهور اسلام، مقام و شأن خطی مقدس را به خود گرفت که خداوند آن را برای رساندن پیام الهی به انسان برگزید، پس نتیجه می‌گیریم عامل اصلی گسترش زبان عربی با کتابت قرآن کریم آغاز می‌گردد. چون در مراحل اولیه حیات پیامبر (ص) قرآن به طور شفاهی و سینه به سینه از طریق حافظان منتقل می‌شد تا اینکه عمر ابوبکر اولین خلیفه را تشویق کرد فرمان کتابت قرآن کریم را صادر کند، و این مهم را زید بن ثابت بر عهده گرفت که بعد در زمان خلیفه سوم ۶۵۱/۳۱ تدوین شد و قرآن از این تاریخ در ۴ یا ۵ نسخه مکتوب شد و به سرزمین‌های اسلامی فرستاده شد و در واقع این اولین نسخه از روی این نسخه کتابت ادامه یافت. این قرآن‌ها در خط‌های متداول موجود در مکه و مدینه که انحصاراً شامل نمونه‌های محلی خط جزم بودند، سپس در انواع خط‌های کوفی و بعدها در بیشتر خطوط متنوع عربی که در جهان آن روز اسلام رونق داشتند، کتابت یافتند. خطوط منشعب شده از خط جزم هر یک به نامی منسوب به محلشان

معروف شدند. همانند انباری به انبار، حیری به حیره، مکی به مکه، مدنی به مدینه، این اسامی گوناگون به ویژگی‌های خاص خطوط متنوع دلالت ندارند. سه سبک اصلی با نمونه‌های مشابه‌ای که در مدینه شناسایی شدند مانند مدور، مثلث و تَم/ توأم یا جفتی، ترکیبی از هر دو نمونه مثلثی و مدور، مطابقت دارند. از این سه نوع، تنها دو سبک نگارش با خصوصیات منحصر به فرد خود حفظ شد. یکی خط شکسته و سهل برای کتابت بود که مَقْوَر خوانده می‌شد و دیگری خط مبسوط که زاویه‌دار بود و دارای سرکش‌های مستقیم ضخیم و نشانگر ویژگی خط مستقیم بود. این دو ویژگی بر تحولات خطوط اولیه مکی، مدنی تأثیر گذاشت و منجر به شکل‌گیری چند نمونه سبک نگارش گردید که مهم‌ترین آن‌ها مائل، شیب‌دار و کج، مشتی (مطول و تمديد شده) و نُسخ (کتیبه‌ای) بودند. همزمان با شکل‌گیری خط کوفی در کوفه این سه نوع سبک نگارش در حجاز رایج بودند مشتی و نسخ پس از پیشرفت‌های قابل توجه مورد استفاده قرار گرفتند اما کاربرد خط مائل شیب‌دار منسوخ شد و خط کوفی بنایی مذهبی جایگزین آن شد. نمونه: کتیبه روی پوست و بر بدنه‌ی کوه سلع<sup>۱</sup> در نزدیک مدینه باقی مانده است. عرب‌ها در خلال تجارتشان با شام خط نَبَطی را از حوران فراگرفتند و اندکی قبل از هجرت، خط کوفی را از عراق آموختند. بنا بر این، اعراب از دو خط استفاده می‌کردند (همان، ۱۱) و (براتی نجفی، ۸۱، ۲۷۲-۲۷۰).

## خط کوفی

که قرآن کریم و متون مذهبی را می‌نوشتند، چنان‌که سریانی‌ها از خط استرنجیلی برای نوشتن کتاب‌های مسیحیت استفاده کردند (همان).

## مَقْوَر

اکنون از آن خط به لَین تعبیر می‌کنند و آن خطی است که رگه‌هایش و آنچه در معنای آن است به سمت پایین تمایل دارد، مانند: ثلث، رقاع و ... (همان).

<sup>۱</sup>. Sala

## مَبسوط

که به آن یابس می‌گویند آن خطی است که هیچگونه پستی و افتادگی در آن نیست مانند: مُحَقَّق (همان، ص ۲۷۴). در برخی از کتب چنین آمده است: منابع ما برای چگونگی گسترش خط عربی، کتیبه‌ها هستند. در زمان‌های قدیم، سنگ قبرها دارای کتیبه و ابنیه‌های دارای کتیبه پر اهمیت‌ترین و جالب‌ترین نمونه‌های درخور بررسی بوده‌اند. البته سکه‌شناسی نیز به همان گونه در این مطالعه واجد اهمیت است چرا که بر روی سکه‌ها نام حکمرانان و فرقه‌های مذهبی حک شده است. بدین طریق گسترش و توسعه‌ی اشکال گوناگون حروف را می‌توان به سادگی دنبال کرد، بدین طریق گسترش و توسعه‌ی اشکال گوناگون حروف را می‌توان به سادگی دنبال کرد. (شیمل آنه ماری، ۸۱، ۱۶-۱۳-۱۲). اسناد باقی مانده از جنس پاپیروس ابتدایی، همراه با یادداشت‌های کوتاه و بلند محصول مهارت و توانمندی استادان دیوان‌های فارسی و ترکی است و بدین گونه خطاطان مهارت خود را بر روی طومارهای طویل خوش‌نویسی شده به نمایش می‌گذاشتند. البته گونه خط نسخ مخصوص قرآن، نمونه‌های مختلف این خط را به خوبی نشان می‌دهد و از جمله منابع مطالعه گسترش خوش‌نویسی نیز به شمار می‌روند، به ویژه در ایران و ترکیه و مناطق مسلمان نشین هند، مجموعه اشعار به دست آمده که هنرمندانه نوشته شده‌اند، اولین نمونه‌ی الفبای عربی که در اروپا ثبت شده مربوط است به گزارشی از «بری دن باخ» در مورد سفرش در سال ۸۹۵/۱۴۸۹ پس از آنکه به ویژه از اواخر قرن نوزدهم / سیزدهم به بعد، در اروپا و بعدها در امریکای شمالی تحقیقات زیادی در مورد چگونگی گسترش خط عربی انجام شده است به خصوص در مورد خطی که اصطلاحاً «کوفی» نامیده می‌شود. متخصصین شرقی نسبت به نمایش و ارائه برخی از آثار ارزشمندی که در کتابخانه‌هایشان نگهداری می‌شد علاقه مشابهی داشتند هر چند تعدادشان آنقدر زیاد است که فقط چند نمونه‌ی برجسته از آنها به طور جدی مورد مطالعه قرار گرفت. خط عربی که شکل تکامل یافته‌ی الفبای سامی است و فقط حروف صامت و سه حرف مصوت بلند املاء می‌شوند، در شبه جزیره‌ی عربستان و در زمان نبوت حضرت محمد (ص) در سرزمین عربستان وجود داشته است. اینکه حضرت محمد (ص) فردی امی و بی‌سواد توصیف شده مغایرتی با اهمیت نگارش در اسلام ندارد، بلکه بر آن تأکید نیز دارد، پیامبر (ص) با چشمان روحانی



خود، آیات مکتوب و ازلی خداوند را می‌خواند، پیروانش آنچه را که وی اعلان می‌کرد، حفظ می‌کردند و آنها را بر روی پارچه، پوست دباغی شده، چوب، استخوان‌های پهن کتف حیوانات، چرم یا هر چه ممکن بود می‌نوشتند. گفته می‌شود از زمان خلیفه سوم، عثمان (۶۸۶-۶۴۴) متون قرآنی با تقسیم‌بندی و نظمی که تا به امروز نیز باقی مانده است مدون و تنظیم گردید. روایت شده است که عثمان، خلیفه سوم هنگامی که قرآن می‌خواند کشته شد، بعضی کتابخانه‌ها به داشتن نمونه‌های خطی اولیه این کتاب مقدس افتخار می‌کنند. جانشین عثمان، حضرت علی (ع) پسر عمو و داماد حضرت رسول (ص) بود به عنوان اولین استاد خوش‌نویسی که شیوه‌ی خاصی از خط کوفی را رواج داد، مورد توجه خوش‌نویسان بعد قرار گرفت. در این شیوه سر «الف» دو شاخه بود و همان‌طور که گفته‌اند استادان بعدی خوش‌نویسی شجره‌نامه روحانی خود را به وی (حضرت علی ع) می‌رسانند. از همان آغاز نگارش، ظاهراً دو نمونه متفاوت از کتابت خطوط در کنار هم وجود داشته است. نمونه‌ی معمولی مخصوص مکاتبات بود. همانگونه که بر پاپیروس یافت شده است. این نوع خط همان سبک خطوط مستقیم و زاویه‌دار است که نمونه متأخر از آن که اصطلاحاً «خط نسخ» نامیده می‌شود دارای انحناء بوده و آسان‌تر تحریر می‌شد. برای کتابت قرآن، کتاب مقدس مسلمانان از خط دیگری نیز استفاده شده که کوفی نامیده می‌شود. کوفی یک خط گوشه‌دار است که نمونه آن در آرامگاه‌های سنگی، کتیبه‌ها و مسکوکات پیدا شده است و بسیار مستعد توسعه فعالیت‌های هنری بوده است. ((شیمل آنه ماری، ۸۱، ۱۶-۱۳) به نظر می‌رسد که حرکات و علائم تشخیص حروف پیش از حکومت بنی‌امیه (۷۵۰-۶۶۱ م.) (۱۳۳-۴۱) ابداع شده است. فقدان این حرکات و حروف در کتیبه‌ها، اغلب سبب دشواری‌هایی در نوشتن و کشف رموز خواندنشان می‌شود. پیش از این اشکال خیلی ابتدایی خطوط قرآنی، نشان از تمایل به افزودن یک خمیدگی کوچک ظریف به انتهای پایانی حروف داشته است. مثلاً: به سمت چپ در «الف» مفرد و یا در جهت امتداد خطوط افقی که در «ک» و «د» و غیره مشخص است. این تمایل به خوبی با کاغذهای پوستی که آن زمان مورد استفاده بود تناسب داشت. بعضی قرآن‌های اولیه شامل چند خط بزرگ و عظیم در هر صفحه می‌شد. بر طبق سنت «عمر» و علی (ع) که هر دو با قطع کوچک قرآن موافق نبودند، کلمه «الله» بایست بزرگ نوشته می‌شد (شیمل آنه ماری، ۸۱، ۱۶-۱۳). هنگامی

که اعراب در سال ۱۳۳/۷۰ کاغذ را شناختند و ساخت آن را فرا گرفتند. این ماده نوشتن که ارزان‌تر و سبک‌تر از ورقه پوست یا پایپروس بود، در دسترس آنان قرار گرفت. ابن‌مقله (وفات ۳۲۹/۹۴۰) وزیر خلفای عباسی به عنوان اولین واضع قوانین خطوط مستدیر و قوسی شناخته شده است. پیش از او شماری از دست‌نوشته‌های انحنادار گوناگون مورد استفاده قرار می‌گرفت. در فهرست ابن‌الندیم (تألیف شده در ۹۸۸-۹۸۷/۳۷۸-۳۷۷) دوازده نوع خط اصلی و دوازده شکل مختلف ذکر شده، اما فهمیدن اینکه کدام توصیف متعلق به کدام شیوه است، بسیار دشوار می‌نماید، زیرا به جز قرآن و کاغذهای پایپروس مدرک کمی از آن دوران اولیه باقی مانده است، ابن‌مقله با استفاده از خطوط منحنی و مستقیم و نقطه‌های لوزی شکل برای ایجاد حروف، با ترکیبات و نسبت‌های مناسب قواعدی را برای زیبا نوشتن وضع کرد. وی واضع اقلام سته (شش شیوه‌ی خطاطی) است که در طول زمان مورد استفاده بوده‌اند و عبارتند از: ثلث، نسخ، تعلیقی، ریحانی، محقق و رقاع. آلبوم خط خوش‌نویسان مسلمان ثلث محکم و پیچیده‌ای را به عنوان مادر گروه خطوط مستدیر و قوسی (انحنادار) برگزیدند، نسخ را که نوع نگارش آن متعلق به عموم و مخصوص چاپ است در رده‌ی دوم اهمیت قرار دادند. ریحان نیز از ثلث اقتباس شده است. در این خط انتهای حروف تیز است. تویق سبکی به نسبت دشوار و پر استفاده است و در واقع همان سبک دیوانی است. رقاع برای نوشتن خط تحریری، سریع و تندنویسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته در کنار این شش خط، خط درشت و ضخیم دیگری نیز وجود داشت که «طومار» نام داشت که بیشتر برای تحریر قرآن کریم استفاده شد و متضاد این خط، خطی است کاملاً ریز که «عُبار» نام داشت (همان) بعد از ابن‌مقله که رساله‌ی او تأثیر بنیادی بر اصول و قواعد خوش‌نویسی گذاشت، ابن‌بواب متوفی ۴۱۳/۱۰۲۲ قواعد ابن‌مقله را کامل‌تر کرد و به قواعد ریاضی آن که در نهایت کمال بود لطافت و زیبایی بیشتری بخشید. اما اقدام نهایی توسط شخصی به نام «یاقوت مستعصمی» متوفی ۶۹۸/۱۲۹۸ انجام پذیرفت. او سابقاً برده‌ی خلیفه‌ی عباسی و ابداع‌کننده‌ی قلم نی و برش نوکش بود، برش اندک مایل قلم، وی و اخلافش را قادر ساخت تا ظریف‌تر بنویسد. وی حتی در نوشتن از قلم نی هم بی‌نیاز بود و قادر بود با انگشتانش به خوبی بنویسد. در مطالعات جریانات تاریخی، نام سلاطینی را می‌یابیم که نه بهترین خوش‌نویسان و استادان این هنر را در گرداگرد خویش جمع

می‌آوردند، مانند (بایسنقر میرزا حاکم تیموری هرات، متوفی ۸۱۶/۱۴۱۳) بلکه خودشان در تلاش برای کتابت نسخه‌های زیبای قرآن بودند و این کار را به امید پاداش معنوی انجام می‌دادند، چند تن دیگر، نظیر عضد الدوله حاکم آل بویه، اولین سلطان در قرن دهم/چهارم، احمد جعدیر نخدادی (متوفی ۸۱۳/۱۴۱۰)، شاه طهماسب اول حاکم ایران (متوفی ۹۸۴/۱۵۷۶)، شاهزاده دارا شکوه، و ارث امپراطوری مغول (اعدامی سال ۱۰۷۰/۱۶۵۹) و به همین ترتیب بسیاری از حکام عثمانی نیز به این هنر علاقه‌مند بودند. به همین علت پیش از این ماوردی (متوفی ۴۵/۱۵۸) این شعر را سروده است: «زعفران عطر دختران جوان است و مرکب عطر مردان» در اسپانیا و شمال آفریقا خط کوفی نفیس و تزئینی کاربرد داشته، کتیبه‌های خط نسخ ظرافت بسیار کمتری نسبت به کاربرد آنها در کشورهای خاورمیانه دارند و کتیبه‌های ثلث هندی ابتدایی حک شده بر روی سنگ، اغلب فاقد زیبایی خطوطی هستند که در کشورهای مرکزی جهان اسلام کاربرد داشته‌اند. تا اینکه حرکت جدیدی را در امر خوش‌نویسی توسط مغول‌ها که علاقه زیادی به زیبا نوشتن داشتند در هند آغاز شد. به هر حال عالی‌ترین نمونه‌های استفاده از خطوط مستدیر، مربوط به ترکان عثمانی است که نه فقط قرآن‌های زیبا و ظرف کوچک را در این خطوط تهیه می‌کردند بلکه خط ثلث را بر کتیبه‌های کاشی کاری شده در تزئینات معماری به کار می‌بردند. شیخ حمدالله (متوفی ۹۲۷/۱۵۲۰) و حافظ عثمان (متوفی ۱۱۰/۱۶۹۸) نشان اوج خوش‌نویسی عثمانی است، این هر دو شاگردان که همه نسخ‌نویسان ترکیه به آنان متصل می‌شوند سبکی را که اصطلاحاً «جلی» نامیده می‌شد در عین استفاده ابداع نموده، توسعه بخشیدند. نمونه‌های بنایی بزرگ این خط بر دیوارها، ستون‌های مساجد و لوحه‌هایی که نام الله یا نام پیامبر (ص) یا چهار خلیفه راشدین را در بر دارد استفاده شده است. هنرمندان ایرانی نیز خط کوفی و نمونه‌های خط مستدیر و قوسی را در معماریشان استفاده می‌کردند. مساجد اصفهان، هرات (دو نمونه استفاده شده از خط ثلث در الحاق با کوفی تزئینی در کاشی‌کاری) ایرانیان در نوشتار روشی را خلق کردند به نام «تعلیق» که مطابق با برخی از منابع موثق ایرانی (همان کتاب قاضی احمد) از سبک‌های رفاع و توقیع اقتباس شده است. قواعد مخصوصی برای این خط توسط میرعلی تبریزی ۸۲۳/۱۴۰ برای آن وضع شد که تا به امروز نیز استادان تعلیق با شکل استادانه آن «نَسْتَعْلِیق» را به همان صورت به شاگردان تعلیم

می‌دهند. (مثال) حرف «ر» را باید مانند بال یک پرنده نوشت و حروف دیگر شبیه سر یا پشت یا دم پرنده نوشته می‌شود. نستعلیق جایگاه واقعی خود را در ایران پیدا کرد. اما ترکیه و هند مسلمان این نمونه را از ایران اقتباس کردند. سلطان علی مشهدی و میرعلی هروی، سبک نگارش به این خط را تا حد کمال توسعه بخشیدند. میرعلی هروی ترکیب نگارش خطوط بزرگ و کوچک را در نوشتن منظورها و کتیبه‌ها به اوج پیشرفت خود رساند، او در سال ۶۵۶/۱۲۵۸ از شهر هرات که مرکز هنرهای زیبا بود به سمت دربار ازبک‌ها در بخارا حرکت کرد. هنرمندان مسلمان هندی، خط نستعلیق را برای نگارش متون اردو مورد استفاده قرار دادند. در صورتی که زبان‌های دیگر مسلمانان در این شبه قاره مانند «پشتو و سندی» با خط نسخ عربی لوله‌ای نوشته می‌شدند (همان، ۲۳-۲۲). استادان خوش‌نویسی برای استفاده اداری، خطی به نام «طغرا» ابداع کردند. اگر چه پیش از این نیز در دوران قرون میانه نام و عنوان حاکم در ابتدای اسناد با ویژگی خاصی نوشته می‌شد. به عنوان نمونه امضاهای باقی مانده قدیمی حکام عثمانی همچون خط طغرای عثمانی از مهم‌ترین نمونه‌های مهارت هنر اسلامی است.

### شهرت خط کوفی در ابتدای ظهور اسلام

بی‌شک اسلام خاستگاه تمدن غرب و بزرگ‌ترین پایگاه در تمدن آنهاست. و خط نیز از ابزار تمدن و آثار آبادانی به شمار می‌رود، چنانکه ابن خلدون بدان تصریح کرده است. و در مقدمه‌ی کتابش چنین می‌گوید: از این رو در می‌یابیم که بیشتر بادیه‌نشینان، بی‌شک بی‌سوادند و نمی‌توانند بنویسند و بخوانند و هر کس هم که بخواند یا بنویسد، خواندنش دقیق و نوشتنش کامل نیست. آموزش خط را در شهرهایی که از آبادانی بسیاری برخوردارند رساترین، زیباترین و آسان‌ترین راه برای استحکام صنعت خط در این شهرها می‌یابیم. بی‌تردید اسلام به بسیاری از شهرها که وارد شد و حتی هر کشوری را که در زمان خلفای راشدین از نظر زبان و آداب و رسوم فتح سلطه‌ی اسلام قرار گرفت، به آیین اسلام فراخواند. امروزه به عرب بودن خود افتخار می‌کنند و بخشی از جهان را تحت سلطه‌ی خود دارند. به این علت است که آنها ملت‌های دیگر را به آیین اسلام فرا می‌خواندند و حامل قرآن کریم بودند. و همچنین قرآن کریم به زبان آنها نازل شد. این امر باعث شد تا آنان، بیشتر به تعصبات عربی روی آورند. و هر

گاه آنها کشوری را فتح می‌کردند و به آبادانی آن می‌پرداختند، بزرگ‌ترین چیزی که عرب‌ها پس از اسلام رعایت می‌کردند، آداب و رسومشان بود که اسلام آن را پذیرفته و تأیید کرده بود و از آن میان نوشتن بود که گرچه در کشور یمن معروف شد و خط آنها حمیری بود و خط مردم عراق جزم نام داشت لیکن به وسیله‌ی نخستین مسلمانان که آن را فرا گرفتند، انتشار یافت و آنان قرآن را با این خط نگاشتند و در آن روزگار همه‌ی مسلمانان از آنها پیروی می‌کردند، سرانجام دست‌خط حمیری یمن از بین رفت و خط کوفی جایگزین آن شد (براتی نجفی، ۸۱، ۲۷۵).

### کوفی مشرقی

اولین بار توسط ایرانی‌ها در قرن چهارم/دهم ابداع گردید، البته با کوفی اصیل متفاوت است. مشخصه‌ی این نوع کوفی دنباله‌های بالا رونده‌ی دراز و عمودی حروفش است و این در حالی است که دنباله‌های کوتاه حروفش کج یا کمی به طرف چپ خمیدگی دارند به همین خاطر محققین اروپایی آن را کوفی خمیده می‌نامند. همچنین در این نوع کوفی قوسی بعضی از حروف به سمت پایین خط کشیده می‌شود. این ویژگی با کوفی مغربی کاملاً متفاوت است. ویژگی اصلی کوفی مغربی مدور کردن گوشه‌های کوفی اصیل و تغییر فرم‌های مستطیل شکل به فرم‌های انحنای با استفاده از خطوط منحنی و تقریباً نیم دایره‌های کامل می‌باشد. این چنین خطوط منحنی و نیم دایره‌ها کاملاً در پایانه‌های فرم‌های انتهایی بعضی حروف بدیهی است این نوع از پایانه‌ها که نه فضای زیر خط زمینه توسعه می‌یابد توسعه و گسترش کوفی مغربی در قیروان، تونس کنونی، غرب مصر و آفریقا استفاده می‌شد (سفادی، ۸۱، ۲۵، ۱۵، ۱۴).

### اصلاح خط عربی

نکته‌ی قابل توجه در مطالعه‌ی الفبای عربی این است که مصمت‌های متفاوت بسیاری دارای صورت‌های ظاهری مشابه هستند، تنها با استفاده از یک یا چند نقطه روی، زیر یا درون این حروف مشابه قرار می‌گیرد قابل تشخیص است. استفاده از این نقطه‌ها که نقطه یا اعجام (نقطه‌گذاری حروف) نامیده می‌شود. تنها گاهی در حروف اولیه حروف نشان داده می‌شوند.

علائم بیان شده یا نشده در نوشتار عربی مصوت‌های کوتاه، فتنحه، ضمه، کسره، صداهاى صوتی گوناگون، همزه (ء)، مد (~)، کشیدگی صدا، و تشدید (ّ) تکرار دو بار حرف، سکون (بی‌صدا) می‌باشد. ابوالاسود دوئلی (وفات ۶۸۸/۶۹) پایه‌گذار دستور زبان عربی محسوب می‌شود. نقطه‌های بزرگ رنگی برای نشان دادن آن عناصری از سخن عربی که به وسیله حروف ارائه نمی‌شوند را ابداع کرده است. این نقطه‌گذاری که تشکیل (تلفظ صوتی) نامیده می‌شود، منحصرأ با خط کوفی و سبک‌های اشتقاقی‌اش همراه شد. بعدها توسط دو تن از شاگردان ابوالاسود به نام‌های ناصر بن عاصم (وفات ۷۰۶/۸۸) و یحیی بن یعمر (وفات ۷۰۷/۸۹) به کمال رسید. اما تفاوت مصمت‌ها و حرف بی‌صدا را حجاج بن یوسف ثقفی حل کرد. وی شخص مقتدر و نایب السلطنه‌ی خلفای بنی‌امیه بود. او به ناصر و یحیی (شاگردان دوئلی) دستور داد تا سیستمی شبیه سیستم ابوالاسود دوئلی ابداع کنند که بر پایه‌ی آن استفاده از نقطه‌های سیاه کوچک به عنوان علائم تفکیک‌کننده حروف مشابه و اتخاذ علائم صدا دار مشخص از نوع سوریه‌ای بود. نقطه‌های سر بالا یا پایین فضای خارجی حروف، به صورت انفرادی یا در گروه‌های دو تایی و سه تایی قرار می‌گرفت. البته حسن البصری (وفات ۷۲۸/۱۱۰) نیز در این زمینه مشارکت داشت. به هر حال این مشکلات در نگارش ادامه داشت تا واژه‌شناس و متخصص دستور زبان عربی به نام الخلیل ابن احمد الفراهیدی (وفات ۷۱۶/۷۰) این مشکلات را مرتفع کرد. در واقع سیستم خلیل، سیستم نشانه‌گذاری حروف به وسیله نقطه، منسوب به حجاج را تأیید می‌کرد (همان، ۱۶).

### تحول خطوط مستدیر و قوسی و خوش‌نویسان عرب

کتابت زبان عربی در سرزمین حجاز به دو گروه عمده مَقْوَر و مدور (منحنی و گرد) و مبسوط و مستقیم (کشیده و دارای خط مستقیم) تقسیم می‌گردد. خط مائل و مشق و دیگر انواع خط کوفی جزء گروه دوم محسوب می‌شوند. تمام خطوط مستدیر و قوسی (انحنادار) به دسته‌ی اول متعلق هستند. به هر حال این جامعیت ندارد و دلیل آن وجود چند نوع سبک خوش‌نویسی است که ویژگی‌های آنها توأماً از دو گروه بالا مشتق شده است. خط کوفی مغربی مستقیماً از کوفی اصیل اقباس گردید، اما در جهت خط شکسته تحول یافت از نظر تاریخی گروه مقور و

مدور حداقل به دهی اول دوران اسلامی متعلق است. ولی ریشه و زمینه‌ی پیدایش آن مسلماً به زمان‌های قبل از اسلام بر می‌گردد. مثلاً در تپه‌ی سلع ۴-۳/۶۲۵-۶۲۴ در مراسلات پیامبر با خلفای ارتدکس دیده می‌شود و همچنین کتیبه‌ای که درباره‌ی وقف سدی که به سفارش معاویه ۶۰-۴۱/۶۸۰-۶۶۱ ساخته شده، استفاده از خطوط مقور و مدور را نشان می‌دهد (سفادی، ۸۱، ۱۸). اما با روی کار آمدن عباسیان ۶۵۶-۱۳۳/۱۲۵۸-۷۵۰ به طور جدی به انهدام مدارک و گزارشات تاریخی مرتبط با خلفای اموی را نابود کردند به همین خاطر اطلاعات در این ارتباط کم و ناقص است. اکثر منابع و محققین بر این عقیده‌اند که قطب‌المحرر به عنوان خطاط دوره اموی و بانی چهار خط مهم و اصلی طومار، جلیل، نصف و ثلث است و حتی ثلثین را هم بدو نسبت می‌دهند. تزئین محراب مسجد پیامبر (ص) در مدینه با آیاتی از قرآن در خط جلیل و با طلا از اوست. خطاط دیگری هم به نام خالد بن الحیاج به عنوان خطاط رسمی خلیفه اموی، ولید بن عبدالملک ۹۶-۸۶ / ۷۱۵-۷۰۵ بود که بر طبق گزارشات موجود قرآن‌های بزرگ بسیاری در هر دو خط طومار و جلیل کتابت کرده است. اما براساس مدارک موجود، خط جلیل در دوره‌ی خلیفه عبدالملک ۸۶-۸۵ / ۶۵-۷۰۵ برای تمام مکاتبات دولتی و اداری وضع کرد. (همان) پسر و جانشین وی خلیفه الولید احتمالاً اولین مشوق خوش‌نویسی بود و اساساً مسئول و بانی معرفی خطوط جلیل و طومار برای استفاده در مراسلات درباری و نوشتن قرآن‌های بزرگ بود. خطوط نصف و ثلث ارتباط مستقیمی با جلیل دارند و بیشتر به عنوان خطوطی برای مکاتبات معمولی استفاده می‌شدند. در دهه‌های اولیه‌ی دوره‌ی حاکمیت خلفای عباسی ۶۵۶-۱۳۳/۱۲۵۸-۷۵۰ دو خوش‌نویس سوری به نام‌های الضحاک بن عجلام و اسحاق بن حماد از اهمیت خاصی جهت بررسی برخوردار هستند. اسحاق به دلیل دستاوردهایش در معرفی درجه قابل‌تری از ظرافت چابکی و حرکت در خط‌های ثلث و ثلثین و همگانی کردن استفاده از این خط‌ها شناخته شده است. شاگردش یوسف السیجزی (وفات ۲۱۰/۸۲۵) دو خط ظریف به نام‌های خفیف‌الثلث و خفیف‌الثلثین را ابداع نمود. او همچنین خط جلیل را با اندک تغییر در عمودی‌هایش، بستن و مدور کردن انحناهای بازش تغییر داده و اصلاح کرد و این امر مورد توجه فل بن سهل وزیر مأمون ۲۱۸-۱۹۸/۸۳۳-۸۱۳ قرار گرفت و دستور داد از این خط برای تمام گزارشات و ثبت اسناد و آمار اداری استفاده شود و نام

ریاسی (اداری) را بر آن نهاد که بعداً این تجربه را به سیجری به یکی از شاگردان برجسته‌اش به نام الاحول (لوچ چشم) المحرر انتقال داد. در مدت زمان کوتاهی بیش دوان نیاوردند و چندتایی که تا زمان حال باقی مانده‌اند با دستان بسیار دقیق خوش‌نویسان بعدی ضابطه‌مند شدند، شش نوع از این شیوه‌ها به عنوان الاقلام سته یا شش قلم (شش سبک خوش‌نویسی) معروف شدند. بر طبق سنت رایج و مقبول شامل ثلث، نسخ، ریحان، رقاع و توقیع و محقق می‌باشند. با توجه به تحولات خط عربی تا اواخر قرن سوم/نهم این خط در آستانه ورود به پر شکوه‌ترین مرحله بود. ابوعلی محمد بن مُقله (وفات ۹۴۰/۳۲۹) و برادرش عبدالله با شاگردی احوال در هنر خوش‌نویسی آموزش دیدند و در سنین کم به خوش‌نویسان توانایی در بغداد شدند. ابوعلی کسی که پایه‌گذار خط انحنا دار عربی است و وزیر سه خلیفه‌ی عباسی (المقتدر ۳۲۰-۹۳۲/۲۹۶-۹۳۲، القا هر ۳۲۲-۹۳۴/۳۲۰-۹۳۲ و الراضی ۳۲۹-۹۴۰/۳۲۲-۹۴۰) بوده است. او بسیار بد شانس بود چون در دوران سیاه ظلم و فساد و توطئه‌های سیاسی وزیر بود ابتدا شکنجه شد سپس زبان و دست راست او را بریدند و سرانجام به دست خلیفه‌ی سفاک و ملعون عباسی (الراضی) در ۹۴۰/۳۲۹ محکوم به مرگ گردید. ولیکن این انسان برجسته و متشخص وظیفه خود را به نحو احسن به انجام رسانید و کسی را یارای مقابله و برابری او حتی پس از او نمی‌توان یافت و جایگاه بسیار با ارزشی نیز در تاریخ ادبی اسلام کسب کرد. او به دلیل تَشْتُّت در سبک نگارش، طراحی خطی انحنادار (مستدیر و قوسی) را ابداع کرد که هم زیبا بود و هم متناسب و هم با خط کوفی برابری می‌کرد (همان، ص ۲۰). شاگردان و مریدان وی که شیوه استادشان را ادامه دادند عبارتند از: ابن سمسانی، ابن اسد، ابوالحسن علی بن هلال (ابن بَوَّاب ۴۱۳/۱۰۲۲) ابن به واب همه شش شیوه را کامل و زیبا ساخت و به ویژه به خط نسخ توجهی خاص داشت، ۶۴ کتاب قرآن را مکتوب کرد. در طول قرن بعدی شخصیت دیگری به نام یاقوت مستعصمی (وفات ۶۹۸/۱۲۹۸) یک روش جدید در تهیه قلم‌های نی ابداع کرد که به آنها برش اُریب و مایل می‌داد و این پدیده او را قادر می‌ساخت که به شش خط زیبا و ظریف سابق بُعد جدیدی از ظرافت و زیبایی بدهد. حتی هنگامی که بغداد مورد تاخت و تاز ارتش مغول در ۶۵۶/۱۲۵۸ قرار گرفت، زمانی که شهر در آتش می‌سوخت او پناهگاهی در یک مناره یافت و قلم و جوهر در دست تمرین و نوشتن را بر روی تکه‌ای از



کتابان ادامه داد. احتمالاً حقیقت دارد که در یک نقاشی که یاقوت را در حال نوشتن در قلعه‌ی مناره نشان می‌دهد به تصویر کشیده است (همان ۲۰-۲۱).

## انواع خطوط کوفی

خط کوفی تا قرن هفتم و هشتم متداول بود تا اینکه خطوط سته از خطوط کوفی منشعب شده بود، به تدریج از رونق افتاد و از آن به بعد مختصری در کتیبه‌ها و سر سوره‌های قرآن و عناوین کتاب‌ها به کار می‌رفت و در قرن یازده حدود هزار سال از عمر آن می‌گذشت به دست فراموشی سپرده شد البته بعضی از کشورهای اسلامی هنوز به رواج خط کوفی عنایت دارند و در ایران نیز در کتیبه‌ها و سرلوحه‌های کتاب‌ها و برای تفنن در قطعه‌نویسی و روی جلد کتاب‌ها، عناوین و نشانه‌ها در معماری به کار می‌رود عبارتند از: (زرعی، ۷۳، ۱۱).

### کوفی ساده<sup>۱</sup>

نگارش آن در قرون اولیه‌ی هجری و در همه‌ی شرق و غرب جهان اسلام رواج داشته است. این خط به دلیل سادگی و نداشتن اعراب و نقطه در همه‌ی ممالک اسلامی نوشته می‌شد و به جرأت می‌توان ادعا کرد که مبنای پیدایش اقلام کوفی بوده است و در این شیوه نگارش از اشکال مختلف تزئیناتی خبری نیست (زرعی، ۱۳۷۳، ۱۱)؛ برای اطلاعات بیشتر (گرومن، ۸۴، ۸-۹).

### کوفی مزهر (کوفی تزئینی)

گونه‌ای خط کوفی تزئینی است که با گل‌ها و برگ‌ها و شاخه‌های سنتی نباتی (گیاهی) زینت داده شده است. ویژگی بارز آن پُر بودن فضاهای خالی با همین عناصر است (انواع خط کوفی تزئینی نک به آلبوم خط). (همان ۱۱)

<sup>۱</sup> خط کوفی نه تنها جایگزین بیشتر خطوط اولیه و ابتدایی شد و در قرن دوم هجری، هشتم پس از میلاد به کمال رسید. بلکه به طور گسترده عمیق‌ترین تأثیر را در خطاطی اسلامی گذاشت. تباین با عمودی‌های کوتاهش، خطوط افقی‌اش دارای درازی کشیدگی هستند و بدین لحاظ تماماً بر روی سطوح مستطیل شکل نوشته می‌شود که در این سطوح پهنا به طور قابل ملاحظه‌ای بیش از ارتفاع و بلندی است که به خط حرکت و پویا و مشخص می‌بخشد. قرآن‌هایی که به خط کوفی اصیل کتابت می‌یافتند اکثراً بر روی پوست گوساله و تیره رنگ به نظر می‌رسد اما در ابتدای قرن ۹، ۳ قرآن بیشتر با شیوه تزئینی، تذهیبی آراسته می‌شدند بسیاری از آن‌ها کارکرد و عمل کرد خاصی داشتند.

### کوفی گره‌دار

یک خط کوفی در هم پیچیده است. در این نگارش برخی از حروف یا کلمات کاملاً کشیده و تابیده و به همراه تزئینات فراوان است. شهرت و رواج این خط بیشتر در قرون ۵ و ۶ هـ. ق. بوده و در بیشتر سرزمین‌های اسلامی همچنین در شهرهای ایران کاربرد فراوانی داشته است. در این خط به کارگیری «لام» ها و «الف» ها مکرر و گره‌های تزئینی و قرینه‌سازی‌های زیبا و موزون ایجاد می‌شود.

(همان ۱۱)

### کوفی مدّور

در نسخ قدیمی از نوعی خط کوفی ملایم توأم با انحنای و استداره (دایره‌دار) به نام مقوّر یاد شده است و بعضی هم آن را «مُستدیر» گفته‌اند (همان ۱۱).

### کوفی بنّایی

این خط بیشتر در معماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مساجد ایران و عراق و سایر بلاد اسلامی رایج است. کوفی بنّایی خطی است که حروف آن دارای سطح و زوایای هندسی و حرکات ترکیبی به اشکال هندسی مستطیل، مربع، مثلث و دیگر چند ضلعی‌ها نوشته شده است (همان ۱۱).

### کوفی مُورِق

این نگارش با استفاده از نقاشی برگ درختی مزین می‌شود به این معنی که زمینه آن با استفاده از اشکال برگ درختی تزئین می‌شده و به «کوفی فاطمی» نیز شهرت دارد که در قرون ۲ و ۳ هـ. در مصر رواج داشته است و از خطوط رایج در کشورهای عراق، سوریه و ایران بوده است. در این خط انتهای حروف و کلمات به وسیله‌ی برگ‌های تزئینی و اسلیمی تکمیل می‌شود. این خط دارای استعدادهای بالقوه‌ی فراوان برای تأثیرپذیری هنرمندان است. (همان ۱۱).

### کوفی مُوشِح

خطی است دارای تزئینات زیبا، منظم، توأم با رسم و تذهیب و نقاشی. انواع آن عبارتند از: موشح ساده یا میانه، موشح مشکل یا کامل و موشح قفلی به طور کلی خط کوفی از نظر گرافیکی نیز دارای ویژگی‌ها و استعداد فراوان است که علاوه بر کاربردهای معمول و مرسوم

آن می‌توان برای طراحی خط، طراحی نشانه، نوشته یا «لوگو» و دیگر موارد از آن الهام گرفت (همان، ۱۱-۱۲).

### آغاز خوش‌نویسی در جهان اسلام

در طی دو قرن اول اسلام خطوط عربی تکوین و پیدایش یافت ولی در این مدت توجهی به حسن خط نشد. فقط از اواخر سده دوم و اوایل قرن سوم بود که ذکری از خوش‌نویسان متعدد خط عربی به میان آمد. و پیش از آن فقط یکی دو تن کاتب را که در خدمت خلفای اموی بودند که ثبت شده است. مورخان مسلمان مأمون خلیفه عباسی و برمکیان وزرای ایرانی وی را از مروجین هنر خوش‌نویسی و از مشفقین خوش‌نویسان معرفی کرده‌اند. خط عربی در آخر قرن سده سوم و آغاز قرن چهارم با ظهور محمد بن علی الفارسی، از اهالی فارس و ملقب به ابن مقله وزیر المقتدر خلیفه عباسی متولد ۲۷۲ که در سال ۳۲۸ هجری به دستور خلیفه الراضی به قتل رسید. وارد مرحله جدیدی شد که باید آن را مقدمه تکامل این خط دانست. این مرد بزرگ پیش قدم نهضت یکی از مهم‌ترین مظاهر هنری اسلامی یعنی «خوش‌نویسی» است، تمام مورخان که ذکر خطوط اسلامی را کرده‌اند برآنند که تا زمان ابن مقله هیچ یک از خطاطان به قدرت او در خوش‌نویسی اقلام مختلف نیامده است. بعضی دیگر گویند که «اقلام سته» که اصول خطوط متداول اسلامی است یعنی: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقيع و رقاع را ابن مقله از خط کوفی اقتباس کرده است. آنچه مسلم است این است که ابن مقله در تکمیل اقلام موجود کوشیده و به بعضی از آنها سر و صورتی داده است ولی نسبت وضع تمام آن اقلام به او جایز نیست. به هر حال ابن مقله اولین کسی است که خطوط مزبور را تحت قاعده و انضباط در آورد و اصل خطوط را بر مبنای دایره و سطح پایه نهاده است. باید متذکر شد که ابن مقله دارای نبوغ و ورزیدگی خاصی در علم هندسه بود. قواعد بنیادی خوش‌نویسی ابن مقله را چنین بیان کرده‌اند: نقطه لوزی واحد سنجش است. اشکال هندسی حروف را تجدید طراحی شده و اندازه نسبی آنها را «نقطه لوزی» و «الف بنیادی» و «دایره مینا» تثبیت می‌شود. نقطه لوزی. از حرکت قلم از امتداد قطر کاغذ به دست می‌آید. به طوری که اضلاع برابر نقطه با پهنای قلم برابرند.

«الف» بنیادی. خط مستقیم و قائمی است که طول آن برابر تعداد معینی نقطه لوزی است که از رأس به هم چسبیده‌اند و تعداد آنها بنا به سبک نگارش از ۵ تا ۷ است. دایره مبنا. قطری برابر «الف» دارد. آن نیز مانند «الف» مبنا شکل هندسی بنیادی را تشکیل می‌دهد.

از ابن مقله نمونه خط باقی مانده، ولی کارشناسان یک جزوه قرآن در کتابخانه ملی مصر و یک قطعه خط در کتابخانه کاخ گلستان را که بدون رقم می‌باشد را به وی نسبت می‌دهند. در موزه بغداد نیز ۹ برگ به نسخ و ثلث نگهداری می‌شود که دارای رقمی است که به ابن مقله منسوب کرده‌اند. دو تن از شاگردان ابن مقله به نام‌های اسمعانی و ابن اسد، کار استاد خود را دنبال کردند و یکی از شاگردان هنرمند جوانی به نام ابوالحسن علی بن هلال معروف به ابن البواب (وفات ۴۱۳ هـ) نکات مهمی را به ماحصل ابن مقله افزود. نامبرده بدون آنکه تغییری در هیچ یک از قواعد این مقله وارد کند، از برکت روح هنرمندانه خود موفق شد به هماهنگی هندسی حروفی که به وسیله ابن مقله طرح شده بود ملاحظت و ظرافت بیفزایند. ولی رهاورد وی در خوش‌نویسی دارای همان ارزش سهم ابن مقله است. ابن‌بواب به تکمیل و تزئین قلم (خط) اقدام کرد. ولی بیش از همه خطوط نسخ و محقق را می‌پسندید. و ابداع قلم ریحان را نیز به او نسبت می‌دهند. گر چه گفته‌اند که وی شصت و چهار قرآن و تعدادی کتاب‌های غیر دینی را تحریر کرده است ولی فقط یک نسخه از قرآن‌های او بر جا مانده است که دارای تاریخ ۳۹۲ هجری است. تراش خاص قلم و تهیه و انتخاب مرکب مناسب نیز از وسایلی بود که او را در این کار یاری کرد. مورخان اسلامی پس از دوران ابن‌بواب، طی دو قرن، عده زیادی از خوش‌نویسان را نام برده‌اند. که بعضی از شاگردان مستقیم وی و بعضی از پیروان شیوه او بودند. هر یک، کم‌کم به زیبایی و استواری خطوط اسلامی افزودند. تا نوبت به یاقوت مستعصمی رسید. یاقوت (وفات ۶۹۸ هجری) روش تازه‌ای در تراشیدن قلم ابداع کرد و قطع زدن مایل را متداول ساخت. این امر به او امکان داد که بُعد تازه‌ای در توازن و زیبایی اقلام سته ایجاد کند و به کمال مطلوب برسد. به علاوه یاقوت شیوه تازه‌ای در خط ثلث نیز به وجود آورد که به نام «یاقوتی» معروف است. مشهور است که یاقوت هنرمندی سخت‌کوش بود و شخصاً همه روزه به عنوان تمرین دو جزو قرآن را می‌نوشت. ظاهراً حتی در ایامی که بغداد در

سال ۶۵۶ هجری زیر حمله مغول می‌سوخت وی به زیر مناره‌ای پناه برد و در آنجا بر تکه کتانی می‌نوشت و مینیاتوری از آن نیز در دست است. آثار یاقوت بسیار کمیاب است و اکنون از جمله ارزنده‌ترین گنجینه‌های هنر اسلامی که به دستمان رسیده به شمار می‌آید. پس از دوره زندگی طولانی یاقوت و شروع قرن هشتم هجری باب تازه‌ای در خوش‌نویسی باز شد و پیروان سبک یاقوت مخصوصاً شاگردان بی‌واسطه او که شش تن بودند و به استادان شش‌گانه معروف شده‌اند پایه خطوط اصولی را در جایی نهاده که کمتر کسی به آن مرتبه رسید. این استادان به نام: احمد سهروردی، یوسف مشهدی، سیدحیدر نصرالله طیب، ارغون کابلی و مبارکشاه تبریزی همه ایرانی بودند. آثار کم نظیر ایشان از نفایس آثار هنری اسلامی و موجب سرافرازی و افتخار و نماینده استعداد سرشار ذوق ایرانیان در این هنر است. از این پس مدت دو قرن مهم‌ترین مراکز خوش‌نویسی اسلامی، در سرزمین ایران بود و از حوزه‌های مهم آن: خراسان، فارس و آذربایجان بود و استادانی چون پیر یحیی جمالی و عبدالله صیرفی، به ظهور رسیدند. مجلس نقاشی که از آن یاقوت مستعصمی به هنگام حمله مغولان به شهر بغداد به مناره‌ای پناه برد و در آنجا به نویسندگی می‌پردازد. به نقل از نسخه خطی گلستان هنر سده یازدهم هجری - مجموعه خصوصی. گلستان هنر تألیف قاضی احمد قمی کتابی است از سده یازدهم هجری شامل شرح حال و احوال خوش‌نویسان، مذهب‌ها، نگارگران و شیوه‌های مختلف هنری در خوش‌نویسی، تذهیب، نگارگری و آداب مربوط به آن (براتی‌نجفی، ۸۱، ۵-۱۰).

### نتیجه‌گیری

برپایه ی آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که تاریخچه خط فرآیندی دراز مدت کند و پیچیده است که ماجرای افسون‌کننده دارد ماجرابی که از تاریخ خود آدمی جدا نیست و هنوز هم بسیاری از وقایع مهم آن ناشناخته باقی مانده است. عرب‌ها به طور اخص از قبایل چادرنشینی بوده و نسبت به نوشتن بدگمان بودند. آن‌ها به طور گسترده‌ای جهت ضبط اطلاعات و تبادل گفت و شنود به سنن روایی متکی بودند. این سنن تقریباً تنها روش جاودانه ساختن اشعار به شمار می‌آمد. بنا بر سنن ادبی عرب‌ها فقط فرمان نوشتن چند قصیده داده شده است که سبع معلقات نامیده شده و شاهکار مسلم محسوب می‌شوند اکثر محققین بر این باورند که زبان عربی

به گروه خطوط سامی تعلق دارد که بیشتر مصوت‌ها در آن نشان داده می‌شود. همچنین عقیده دارند که خط عربی شمالی بر خطوط دیگر پیشی جسته و ویژه‌ی نگارش قرآن کریم شد و با خط نبطی هم مرتبط است. نبطی‌ها اعراب بادیه‌نشین بودند و در سرزمینی از سینا و شمال عربستان تا جنوب سوریه امتداد داشت ساکن بودند و حکومتی را پایه‌گذاری کردند که پایتخت آن شهرهای مهم حجر، پترا و بصری بود، این حکومت از ۱۵۰ ق. م. تشکیل تا ۱۰۵ میلادی ادامه داشت که سرانجام توسط روسی‌ها از بین رفت و لیکن خط نبطی از بین نرفت البته شایان ذکر است این خط از خط آرامی‌ها نشأت گرفته است و تأثیرات خیلی زیادی بر تحولات اولیه خط عربی گذاشت. از نبطی‌ها کتیبه‌هایی در قلمرو سکوتشان بر جای مانده است به علاوه در میان آثار عرب‌ها سند و مدرکی وجود ندارد که نشان دهد آنها نوشتن را می‌دانستند. فقط حِمیری‌ها در یمن بودند که آثاری از آنها باقی مانده که با حرف مَسَنَد می‌نوشتند و ارتباط در شمال که با حروف نَبَطی می‌نوشتند و آثارشان نیز در نواحی حوران و به لقاء باقی است. برخی از آنان که قبل از ظهور اسلام به عراق یا شام سفر کرده بودند و رفتار و اخلاق شهرنشینی را کسب کردند و نوشتن را از ایشان به عاریت گرفتند و باز گشتند. برخی از آنان نیز عربی را با حرف نبطی، عبرانی یا سریانی می‌نوشتند ولی نبطی و سریانی تا پس از فتوحات اسلام دوام یافت و خط نسخی پس از نبطی و خط کوفی (منسوب به شهر کوفه) وارد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). زبان، فرهنگ و اسطوره. مجموعه مقالات. تهران: معین.
- آموزگار، ژاله (و دیگران) (۱۳۸۹). تاریخ ایران باستان. تهران: سمت.
- ابن ندیم، (۱۳۶۶). الفهرست. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: امیرکبیر.
- افروند، قدیر (۱۳۷۵) گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی، هنر اسلامی ۱. تهران: موزه ملی ایران.
- براتی‌نجفی، سیدحسین (۱۳۸۱). تاریخ کوفه. ترجمه سعید رادرحیمی. محل نشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- بیومی مهران، محمد (۱۳۸۳). بررسی تاریخی قصص قرآن ۴. مترجم مسعود انصاری. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- الجبوری، سلمان.، میلادیه، ۱۹۹۹ کامل، ۱۴۲۰ هجریه موسوعه الخط العربی،، دارو منشورات مکتبه الهلال، بیروت
- زارعی، باب‌الله (۱۳۷۳). کتیبه کوفی مسجد قزوین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰). تاریخ عرب قبل از اسلام. ترجمه باقر صدری‌نیا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- سفادی، یاسین‌حمید (۱۳۸۱). خوشنویسی اسلامی: مجموعه آثار هنر اسلامی ۶. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شیمیل، آنه‌ماری (بی‌تا). خوشنویسی اسلامی (۱۳۸۶). مهناز شایسته‌فر، مجموعه آثار هنری اسلامی ۳. تهران: موسسه و مطالعات هنر اسلامی.
- فضایی، حبیب‌الله (۱۳۶۲). اطلس خط. اصفهان: مشعل اصفهان.
- گرومن، آدولف (۱۳۸۳). منشأ و توسعه ابتدایی کوفی گلدار. مترجم مهناز شایسته‌فر. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی